

تاریخ بیهق ابن فندق و رمز جامعیت آن

○ دکتر سید ابوالقاسم فروزانی

عضو هیات علمی دانشگاه شیراز

پیش از این به هنگام معرفی کتاب تاریخ بخارای نرشخی، ویژگی‌های تاریخ‌های محلی و موارد استفاده از آن منابع یادآوری گردید.^۱ اما کتاب تاریخ بیهق تألیف ابوالحسن علی بن زیدبیهقی (ابن فندق) که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد، هر چند به لحاظ عنوان در شمار تاریخ‌های محلی محسوب می‌شود اما از نظر محتوا دارای جامعیتی است که حدود آن را فراتر از تواریخ محلی می‌نمایاند. به قول ملک الشعراء بهار «تاریخ بیهق یکی از کتب بسیار مفید و سودمند فارسی است که نظیرش از دو الی سه تجاوز نمی‌کند، چه از حیث سبک و اسلوب و چه از حیث ثقه‌بودن، و چه از حیث پر بودن از مطالب تاریخی و ادبی و علمی بسیار مفید که در عالم خود بی نظیر است.»^۲

شاید شرحی کوتاه راجع به احوال مؤلف تاریخ بیهق و جایگاه علمی او پاسخی به این سؤال باشد که جامعیت محتوایی تاریخ بیهق مولود چیست؟

ابوالحسن علی بن زید بیهقی که در آخرین دهه قرن پنجم هجری (و به احتمال زیاد در سال ۴۹۳) به دنیا آمده و در سال ۵۶۵ بدرود حیات گفته، از دانشمندان بنام و ممتاز عصر خویش بوده است.^۳ یاقوت حموی در کتاب معجم الادبا هفتاد و چهار مورد از تالیفات ابوالحسن بیهقی را نام برده^۴ اما متأسفانه از آن همه تعداد معدودی به شرح ذیل باقی مانده است:

۱. تاریخ بیهق، در تاریخ و جغرافیای ناحیه بیهق (به زبان فارسی)
۲. جوامع الاحکام، در علم نجوم (به زبان فارسی)
۳. معارج نهج البلاغه، در شرح نهج البلاغه (به زبان عربی)
۴. تتمه صوان الحکمه، در شرح احوال حکما (به زبان عربی)
۵. لباب الانساب، در علم انساب (به زبان عربی)

حتی با اندک توجهی بر آثار به جای مانده از ابوالحسن علی بن زید بیهقی به وسعت دانش و عمق آگاهی علمی آن دانشمند فرزانه پی می‌بریم. به عنوان نمونه، یکی از تالیفات بسیار ارزشمند ابوالحسن بیهقی تتمه صوان الحکمه می‌باشد. اصل کتاب صوان الحکمه را ابوسلیمان محمد بن طاهر بن بهرام سجستانی از مشاهیر علمای قرن چهارم هجری تألیف کرده و ابوالحسن بیهقی بر آن کتاب ذیلی نوشته و آن را تتمه صوان الحکمه نام گذاشته است. اما موضوع کتاب تتمه صوان الحکمه به قول محمد قزوینی «تراجم احوال حکماء اسلام است عموماً و حکماء مشرق یعنی کسانی که از بلاد شرقی ممالک اسلامی مانند خراسان برخاسته‌اند خصوصاً و علی الاخص حکماء متأخرین که معاصر یا مقارب العصر با مؤلف بوده‌اند.»^۵ مؤلف دانشمند تتمه صوان الحکمه در تألیف خویش تنها به شرح احوال زندگی علما بسنده نکرده است بلکه علاوه بر این کار «یکی از اغراض عمده مؤلف که تقریباً در هر ترجمه حالی بدان ملتزم است جمع اقاویل حکما و کلمات قصار یا طوال ایشان و فواید حکیمانه ایشان نیز بوده است.»^۶

ابن فندق (ابوالحسن علی بن زید بیهقی) در خلال شرح احوال مبسوطی که درباره بعضی از علما (مانند ابوعلی سینا،

ابوالخیر خمار، ابوریحان بیرونی، عمر خیام، ابوالبرکات یهودی، ابن تلمیذ بغدادی، رشید و طواط، شهرستانی، سید اسماعیل جرجانی و...) نوشته، اطلاعات تاریخی بسیار مهمی ارائه نموده است که در دیگر مآخذ یافت نمی‌شود. شادروان محمدقزوینی با بیان این که مؤلفین کتاب‌های معروف رجال و طبقات به طور عمد به شرح احوال دانشمندان عراق و شام و مصر پرداخته‌اند، متذکر شده است که «اگر این کتاب حاضر بیهقی (تتمه صوان الحکمه) بدست نبود اکنون اطلاع از احوال جمع کثیری از حکما و اطبا و منجمین و ریاضیین ایران و در اغلب موارد حتی اطلاع از وجود ایشان و اسامی ایشان امروز برای ما از محالات و ممتنع است.»^۷

ابوالحسن بیهقی در زمینه تاریخ نیز دارای تالیفی بوده که متأسفانه از میان رفته است. این کتاب که ذیلی بر تاریخ یمینی (تألیف عبدالجبار عتبی) بوده است، مشارب التجارب و غوارب الغرائب نام داشته و به قول احمد بهمینیار «مشمول بوده است بر وقایع تاریخی ایران در مدت صد و پنجاه سال از همانجا که تاریخ یمینی ختم می‌شود یعنی از حدود سنه ۴۱۰ الی حدود ۵۶۰ هجری و به عبارت آخری شامل بوده است تقریباً تمام دوره غزنویه و تمام دوره سلجوقیه و نیمه اول دوره خوارزمشاهیه را».^۸ کتاب مشارب التجارب که مورد استفاده یاقوت، ابن الاثیر، ابن ابی اصیبعه، عطا ملک جوینی و حمدالله مستوفی قرار گرفته، تا اواسط قرن هشتم هجری موجود بوده است.^۹

از دیگر تالیفات ابوالحسن بیهقی کتاب وشاح دمیه القصر و لقاخ روضة العصر بوده است. این کتاب ذیل کتاب دمیه القصر تألیف باخرزی و مشتمل بر تراجم احوال شعرا معاصر ابوالحسن بیهقی بوده است. بیهقی همچنین صاحب کتابی در امثال عرب بوده که غرر الامثال و درر الاقوال نام داشته است.^{۱۰} شاید همین مختصر گوئی منزلت علمی و وسعت اطلاعات و تنوع و عمق دانش ابوالحسن علی بن زید بیهقی باشد هم او که معتقد است که «شاخ‌های درخت انسانیت به تحصیل علم ثمرات سعادت دهد و علم را در هر دو سرای مرغزاری موند است و غدیری مخدق و از کمال شرف علم آن است که علما در دوم درجه ملائکه‌اند.»^{۱۱}

با این اوصاف شاید بتوان پاسخ سؤالی را که در ابتدای این مقاله مطرح شده، دریافت که جامعیت کتاب تاریخ بیهق مولود چیست؟ به طور خلاصه می‌توان گفت از آنجا که تاریخ بیهق به وسیله دانشمندی جامع الاطراف که به «فرید خراسان»^{۱۲} معروف بوده تألیف گردیده است متضمن نکات و دقایقی است که در دیگر کتب مشابه دیده نمی‌شود.

ابوالحسن بیهقی کتاب تاریخ بیهق را در سال ۵۶۳ هـ. تألیف کرده است.^{۱۳} در آن زمان حکومت خراسان را مویدای آبه از غلامان سابق سلطان سنجر سلجوقی به دست داشته است.^{۱۴} بیهقی از آسفتگی‌های آن روزگار بدین شرح یاد کرده است: «درین ادوار ناسازگار و روزگار غدار و زمن پرمحن و فتن

تاریخ بیهق هر چند به لحاظ عنوان در شمار تاریخ‌های محلی محسوب می‌شود اما از نظر محتوا دارای جامعیتی است که حدود آن را فراتر از تواریخ محلی می‌نماید

ابوالحسن علی بن زید بیهقی که در آخرین دهه قرن پنجم هجری (و به احتمال زیاد در سال ۴۹۳ ه.ق.) به دنیا آمده و در سال ۵۶۵ بدرود حیات گفته، از دانشمندان بنام و ممتاز عصر خویش بوده است

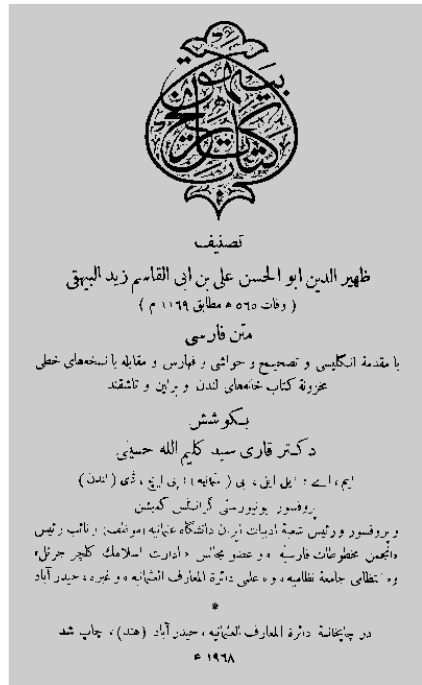
هر جا که بگذرد دست و پا و آن عضو عفن شود. در کرمان علت‌های جگر خیزد که آن را امراض کیدی خوانند...»^{۳۳}
«ذکر امهات ولایات» عنوان بحثی است که ابن فندق در خلال آن از مراکز ولایات یام القری‌ها (مادر شهرها) نام برده است. وی در مبحثی دیگر از کتاب تاریخ بیهق به موضوع آب و هوای شهرها پرداخته و در بابی راجع به ریشه لفظ بیهق و حدود جغرافیایی و تقسیمات اداری و میزان خراج آن ولایت سخن گفته است. بیهقی در این کتاب همچنین شرحی در باب بنای سبزواری و وقایع مهم آنجا به دست داده، سپس به ذکر خاندان‌های قدیم و سادات بیهق پرداخته است. علاوه بر اینها، وی اطلاعاتی ارزشمند راجع به طاهریان، صفاریان، سامانیان، محمودیان (غزنویان) و سلجوقیان ارائه داده است. بیهقی علت پرداختن به تاریخ این سلسله‌ها را به این شرح توضیح داده است:

«... و عادت رفته است در تواریخ بلدان انساب و تواریخ ملوک آن ولایت بیان کردن و چون عادت در باب این صنعت برین نسق رفته باشد متاخر را به مقدم اقتدا کردن مبارک آید...»^{۳۴}

با توجه به این که اسحق، جد خواجه نظام الملک (وزیر بزرگ سلجوقیان) و ابوالحسن، پدر او از دهقانان روستای «انکو» از توابع بیهق بوده‌اند، بیهقی در مبحثی ذیل عنوان «خاندان سیدالوزراء نظام الملک» شرحی مبسوط در باب خاندان آن وزیر بزرگ آورده است. وی همچنین در مورد خاندان‌های بزرگ بیهق مانند خاندان مهلبیان، فولادوند، حاکمیان، بیهقیون، مستوفیان، عزیزیان، عنبریان، زیدیان، میکالیان... اطلاعاتی گرانبها به دست داده است.

بیهقی در بابی تحت عنوان «در ذکر علما وایمه و افاضل که ازین ناحیت خاسته‌اند یا به این ناحیت انتقال کرده‌اند» از دانشمندان و بزرگان آن سامان نام برده و درباره هر یک شرحی مستوفی آورده و از تالیفات آنان یاد کرده است. به عنوان مثال وی راجع به خواجه ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی چنین نگاشته است:

«او دبیر سلطان محمود بود به نیابت ابونصر مشکان و دبیر سلطان محمد بن محمود بود و دبیر سلطان مسعود. آنگاه دبیر سلطان مودود و آنگاه دبیر سلطان فرخزاد. چون مدت مملکت سلطان فرخزاد منقطع شد انزوا اختیار کرد و به تصانیف مشغول گشت. و مولد او دیه حارث آباد بوده است و از تصانیف او کتاب زینة الکتاب است و در آن فن مثل آن کتاب نیست و تاریخ ناصری از اول ایام سبکتگین تا اول ایام سلطان ابراهیم روز به روز را در تاریخ ایشان بیان کرده است و آن همانا سی مجلد منصف زیادت باشد».^{۳۵} وی آن‌گاه قسمت‌هایی از کتاب تاریخ ناصری را به عنوان نمونه به عین عبارت ذکر کرده است. ابوالحسن بیهقی در کتاب خویش همچنین از نقباء سادات، شعرای فارسی ناحیه بیهق، فضلالی ذوالسنانین، بزرگان محلی، وقایع بزرگی که در آن ناحیه اتفاق افتاده، شگفتیها و عجایب آن سرزمین و ساداتی که در خسروجرود و غیره مدفونند یاد کرده است. با توجه به ذکر اسامی شعرای فارسی زبان و نیز فضلالی ذوالسنانین در کتاب تاریخ بیهق، احمد گلچین معانی



بیهقی یکی از فواید تاریخ را چنین برمی‌شمارد: «در اندک مدتی آدمی از اخبار و حکایات گذشتگان و احوال و ممالک چندان فایده یابد که از طریق مشاهدت در عمرهای دراز او را حاصل نماید...»

باشد و از دیگر جوانب دریا هوای آن تر باشد. آنجا باران‌های بسیار آید. پس هر گاه زمین آن صلب باشد و خشک و کوه آن سنگ باشد مضرت آن کمتر بود و اگر کوه گل بود و زمین سست بود تری آن هوا زیان کارتر بود. اگر مزاج ولایت گرم بود عفونت‌ها و بیماری‌های عفونی آنجا بسیار افتند...»^{۳۶}
ابوالحسن بیهقی فصلی از کتاب تاریخ بیهق را به ذکر چیزهای منسوب به شهرهای مختلف اختصاص داده و در فصلی دیگر تحت عنوان ذکر آفات و امراض ولایات به بیماری‌های رایج در نواحی مختلف پرداخته که شمه‌ای از آن چنین است:

«در شهر مصر برغوث و حصیه باشد و بیماری عفونی بود... در سند و هند جرب و حصیه باشد... در طبرستان وبا و امراض عفونت بود... در بغداد و بصره علت جذام بود... در دامغان و قومس چیزی باشد مانند عدس آن را شوگر خوانند

که امال و امانی بصدد تلاشی است و ملت طراوت علم منسوخ و ممیز آن سیمرغ و کبریت احمر گشته و همگان از دست جور زمانه از پای درآمده...»^{۳۷}

باری، «بیهق» نام قدیم ناحیه‌ای از ولایت خراسان بوده که سبزواری کنونی شهر عمده آن بوده است. در کتاب تاریخ بیهق نه تنها تاریخ و جغرافیای این ناحیه از ایران مورد بررسی قرار گرفته بلکه به شرح احوال و آثار و انساب اهل علم و ادب، دولتمردان، بزرگان، سادات و خاندان‌های بزرگ‌زاده‌ای که به ناحیه بیهق منسوب بوده‌اند نیز پرداخته شده است.^{۳۸}

اما ابوالحسن بیهقی در خلال مباحث یاد شده به ذکر مطالبی پرداخته که بسیار جالب توجه می‌باشد. به عنوان مثال وی که معتقد است تواریخ، خزاین اسرار امور است و در آن «عبر و مواظ و نصایح»^{۳۹} نهفته است، در فصلی که به فواید تاریخ اختصاص دارد، در اهمیت این علم و فواید آن کمتر نکته‌ای را فرو گذاشته است به طوری که مرحوم زرین کوب معتقد است: «در باره فواید تاریخ و هدف‌های تجربی و علمی آن، آنچه ابن فندق آورده است شاید خلاصه جامعی باشد از تمام ملاحظات مسلمین درین باب».^{۴۰}

در میان فواید بسیاری که بیهقی برای علم تاریخ برمی‌شمارد یکی این است که «در اندک مدتی آدمی از اخبار و حکایات گذشتگان و احوال و عمارات عالم و ملوک و ممالک چندان فایده یابد که از طریق مشاهدت در عمرهای دراز او را حاصل نیاید تا چنان شود که آدمی به اندک مایه روزگار که در تواریخ و قصص تامل کند او را تخیل افتد که این جمله وقایع و حوادث را مشاهده بوده است و جان او می‌نازد که ریاحین قصص و اخبار می‌بوید و میان زور و بهتان و زرق و دستان فرق می‌کند، کدورت وحشت را از منابع وحدت منع کند و ظلمت انقسام خاطر را از ساحات راحت رفع».^{۴۱} بیهقی علم تاریخ را با همه فواید آن نه تنها سهل المتناول بلکه لذت بخش دانسته و عقیده دارد که «علم تواریخ علمی لذیذ است و مقبول... چنانکه چشم را از زنگریستن در صورت‌های نیکوکامالی است سمع را در شنیدن تواریخ و اخبار کامالی است».^{۴۲}

ابن فندق در فصل دیگری از کتاب تاریخ بیهق پنجاه ولایت مشهور و شهرهای بزرگ عالم مسکون را نام برده است. بعد از آن در دو فصل به کتاب‌های تاریخ مشهور و تواریخی که در مورد شهرها نوشته شده‌اند، پرداخته و در هر دو مورد از کتاب‌هایی نیز که در زمان وی از آنها نشانی بر جای نمانده سخن گفته است. وی سپس مانند غالب مولفان تاریخ‌های محلی در فضایل شهر خویش فصلی پرداخته است و از صحابه بزرگ پیامبر که مدتی در آن شهر مستقر بوده‌اند، یاد کرده است. چگونگی فتح بیهق از دیگر مواردی است که مورد توجه ابن فندق قرار گرفته است. بیهقی در مبحثی که به ذکر هوای بیهق اختصاص دارد بعضی از عوامل جغرافیایی را که در وضعیت هوای مناطق مختلف موثرند بدین شرح نام برده است: «طبا چنین گویند که هر مسکن که بلندتر هوای آن موافق تر و نسیم آن خوش تر و تنفس بدان هوا آسان تر و هر مسکنی که نشیب تر هوای آن گرم تر و بخارات آن کثیف تر و دم زدن بدان ناخوش تر و هر مسکن که از یک جانب آن کوه

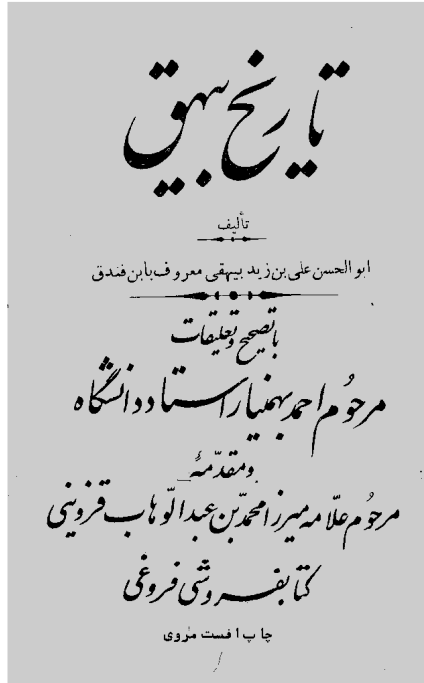
می توان گفت از آنجا که تاریخ بیهقی به وسیله دانشمندی جامع الاطراف که به «فرید خراسان» معروف بوده تألیف گردیده است متضمن نکات و دقایقی است که در دیگر کتب مشابه دیده نمی شود

ابوالحسن بیهقی کتاب «تاریخ بیهقی» را در سال ۵۶۳ ه.ق. تألیف کرده است. در آن زمان حکومت خراسان را موید ای ابه از غلامان سابق سلطان سنجر سلجوقی به دست داشته است

و اسامی را از جنبه های گوناگون ادبی و تاریخی و جغرافیایی مورد توجه قرار داده و بویژه توضیحات جغرافیایی وی بسیار مغتنم است. در پایان کتاب نیز فهرستی از مطالب موجود در تاریخ بیهقی فراهم گردیده است که این فهرست نیز برای محققان سودمندی فراوان دارد.

پی نوشت ها:

- ۱- رک: فروزانی، سیدابوالقاسم: تاریخ بخارا نمونه ای نفیس از تاریخ های محلی، کتاب ماه سال دوم، شماره ۴، تهران، بهمن ۱۳۷۷، صص ۲۷-۲۹.
- ۲- بهار، محمدتقی (ملک الشعرا): سبک شناسی (تاریخ تطور نثر فارسی)، چاپ نهم، انتشارات بدیهه، تهران ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۵۷.
- ۳- سید محمد مشکوة با تحقیقی دقیق به این نتیجه رسیده که تاریخ تولد ابوالحسن علی بن زید بیهقی روز سه شنبه بیست و هفتم شعبان سال ۴۹۳ بوده است. رک: بیهقی. ابوالحسن علی بن زید: تاریخ بیهقی، با تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار، چاپ افست مروی، تهران ۱۳۱۷، حواشی ص یب به نقل از سیدمحمد مشکوة.
- ۴- یاقوت حموی (شهاب الدین ابوعبدالله): معجم الادباء، الطبعه الثالثه، دارالفکر، ۱۹۸۰، م ۱۴۰۰ ه. مجلد سابع، صص ۲۲۵-۲۲۹.
- ۵- قزوینی، محمد: بیست مقاله، به تصحیح عباس اقبال، پورداود، چاپ دوم، دنیای کتاب، تهران ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۲۸.
- ۶- همان، ص ۱۳۰.
- ۷- همان، ص ۱۳۱.
- ۸- همان، صص ۱۳۱-۱۳۲.
- ۹- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، پیشین، ص ید.
- ۱۰- همان، ص ید.
- ۱۱- همان جا.
- ۱۲- همان، ص ۵.
- ۱۳- صفا، ذبیح الله: تاریخ ادبیات در ایران، چاپ سیزدهم، انتشارات فردوس، تهران ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۱۱.
- ۱۴- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، پیشین، ص ۲۹۲.
- ۱۵- قزوینی، محمد، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۷.
- ۱۶- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، پیشین، ص ۳.
- ۱۷- قزوینی، محمد، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۴.
- ۱۸- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، پیشین، ص ۷.
- ۱۹- زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ در ترازو، چاپ دوم، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۲، ص ۷۳.
- ۲۰- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، پیشین، ص ۱۰.
- ۲۱- همان، صص ۸-۹.
- ۲۲- همان، صص ۲۶-۲۷.
- ۲۳- همان، صص ۲۹-۳۱.
- ۲۴- همان، ص ۶۵.
- ۲۵- همان، صص ۱۷۵-۱۷۹.
- ۲۶- گلچین معانی. احمد: تاریخ تذکره های فارسی، چاپ دوم، سنایی، تهران ۱۳۶۳، جلد دوم، ص ۸۷۱.
- ۲۷- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، پیشین، ص د.
- ۲۸- صفا، ذبیح الله، پیشین، ج ۲، ص ۹۹۵.
- ۲۹- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، پیشین، ص ۳۷.
- ۳۰- همان، ص ۳۶.
- ۳۱- همان، ص ۴۳.
- ۳۲- بهار، محمدتقی، پیشین، ج ۲، ص ۸۵۷.
- ۳۳- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، پیشین، ص د.



در کتاب تاریخ بیهقی نه تنها تاریخ و جغرافیای این ناحیه از ایران مورد بررسی قرار گرفته بلکه به شرح احوال و آثار و انساب اهل علم و ادب، دولتمردان، بزرگان، سادات و خاندان های برگزیده ای که به ناحیه بیهقی منسوب بوده اند نیز پرداخته شده است

کتاب تاریخ بیهقی را مرحوم احمد بهمنیار براساس مقابله دو نسخه عکسی از این کتاب که شادروان محمدقزوینی در سال های ۱۳۰۸ و ۱۳۱۰ ه.ش از بریتانیا و آلمان برای وزارت معارف ایران ارسال کرده بود^۳، تصحیح نموده همراه با تعلیقاتی بسیار سودمند منتشر ساخته است. شادروان بهمنیار با کمال دقتی که در مقابله نسخ و تصحیح متن تاریخ بیهقی به کار برده نسخه ای منتخف از این کتاب ارزشمند را در اختیار اهل فضل قرار داده است.

تعلیقاتی که بهمنیار در باب بعضی موضوعات مندرج در پاره ای صفحات کتاب تاریخ بیهقی نوشته، علاوه بر آن که در ایهام زدایی از برخی موارد مبهم مؤثر بوده، در تکمیل اطلاعات هم مفید واقع می شوند. مصحح فقید تاریخ بیهقی علاوه بر تعلیقات یاد شده در صفحات متعدد، ذیل عنوان شرح و توضیح بعضی کلمات و عبارات به ترتیب حروف تهجی، بعضی لغات

از کتاب یاد شده به عنوان یکی از قدیمی ترین منابعی که به احوال شاعران پرداخته، نام برده است.

راجع به ویژگی های نثر کتاب تاریخ بیهقی، احمد بهمنیار عقیده دارد که «تاریخ بیهقی به نثر ساده نوشته شده و انشاء آن با وجود متوسط بودن از مزایا و محسنات لفظی و معنوی که خاص مولفات قرن چهارم تا هفتم است بهره و نصیب کافی دارد و از خصایص انشایی که در آن دیده می شود یکی این است که مؤلف سال های وقایع را به عربی نوشته و در انساب طوایف و اشخاص نیز غالباً برای اختصار یا احتراز از تکرار به عبارات عربی متوسل شده و از بهم آمیختن جمله های فارسی و تازی نثری ملمع به وجود آورده است لیکن سایر مطالب را به فارسی یکدست نوشته و سبک تحریر او در این قسمت پسندیده و در تاریخ نویسی قابل پیروی و تقلید است.»^۴

در هر صورت این نکته را نمی توان انکار کرد که نثر تاریخ بیهقی سرشار است از لغات و اصطلاحات و اشعار عربی، ذبیح الله صفا در این مورد می گوید: «این کتاب اگر چه از حیث لغات و ترکیبات عربی وافر است که در آن به کار رفته از دیگر کتب هم عصر خود تمایز دارد لیکن بهر حال نثری روان و پخته و بسیار متین و استوار دارد.»^۵

اما از محسنات نثر مؤلف تاریخ بیهقی استفاده از پاره ای لغات پهلوی و روشن نمودن معانی آنها است. به عنوان نمونه بیهقی در مورد کلمه های «مذ» و «رد» می گوید: «مذ در لغت پهلوی بسیار است. گویند بر غمذ و فریومذ و شستمذ و... در زبان فارسی گویند رنومذ «رد» دانا و بخرد باشد فردوسی گوید: یکی انجمن ساخت با بخردان

هشیوار و کار آرموده رذآن «

این فندق همچنین در مورد معنی «میج» این نکته را روشن کرده است که «میج به لغت پارسی زمین بر دهنده را گویند». تعبیری که ابوالحسن بیهقی در مورد نام شهر نیشابور دارد نیز جالب توجه می باشد. وی معتقد است که «اصل نام آن شهر بنشاپور بود پس با و الف بیفکنند و الف به یا بدل کردند

به زبان پهلوی «نی» بنا بود و نیشابور یعنی بنای شاپور».^۶

در مورد سبک نگارش کتاب تاریخ بیهقی، ملک الشعراء بهار با تفصیل بیشتری صحبت کرده است. وی عقیده دارد که

«سبک تحریر این کتاب میانه ای است از تحریر قرن پنجم و ششم هجری یعنی از طرفی فتور ادبی و تأثیر تغییر سبک در او پیدا آمده و از طرف دیگر هنوز به عادت دیرینه سادگی و ایجاز و پختگی و سنجیدگی فارسی قدیم را از دست نداده است و موزوجی (است) از سبک قدیم و سبک جدید و از هر دو سبک نمونه های زیادی در وی می توان به دست آورد. و زیادتز از چهارمقاله که یازده سال پیش از این کتاب تألیف شده است لغت عربی دارد و نیز در ایراد شواهد شعری از تازی و پارسی و تمثیل ها و استدلالات عربی از چهار مقاله به شیوه تازه نزدیک تر است. چنانکه گاهی عبارت تازی از خود به اقتضای مقام می آورد...».^۷ ملک الشعراء بهار همچنین در مورد ویژگی های فنی نثر تاریخ بیهقی توضیحات ارزشمندی ارائه داده است که در این مقال به دلیل تنگی مجال جای بحث آنها نیست.